

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

بازی شطرنج کنونی در متن رویارویی های مسلحانه در کشور ما آیا "طالبانیزه" شدن دولت کنونی افغانستان امکان پذیر می باشد؟ حضور در دستگاه دولتی بمتابۀ دستیابی به منابع غنایم با آورده

نحوۀ متعهد بودن مبارزانی که برای رویاهای شان می‌رزمیند
چگونگی عملکرد آنهایی که به نرخ روز حزبی شده بودند
بررسی معادلات جهانی با طرح دیدگاه‌های منطقی
بحران درازمدت یا انفجار کوتاه مدت؟

ملت افغان مانند هر ملت دیگر در تاریخ حیات اجتماعی خود با فراز و نشیب‌های گوناگون و گاه متناقضی روبرو بوده اند. شاید بتوان یکی از ویژگی‌های این دوران را به نفوذ روش‌های سنتی، قبیله‌ای و عشائری نسبت داد، تا روی آوردن افغان‌ها به فعالیت‌های سیاسی در قالب احزاب دموکراتیک. گرایش به سنت‌های قبیلوی با خمیرمایه‌های بومی هرگز اجازه نداد که جامعه ما به کار و تمدن بپیوندد و یا لاقلاً مسیر انکشافی جامعه تا سطح منطقه ارتقاء نماید. از آنجایی که هر عصر و زمان به تناسب میزان رشد یافتگی انسان‌ها، سبک و رفتار خاص و منحصر بفرد خود را طلب می‌نماید. ملت افغان نیز باید مانند هر ملت دیگر در جهان، ضرورت به بازنگری در شیوه‌های مبارزه و رفتار سیاسی‌شان احساس کنند و باید بپذیرند که تمایل تام به قبیله‌گرایی، چسبیدن به سنت‌های منطقی و تنبلی، دیگر بیش از این با شرایط کنونی سازگاری ندارد و این سنت‌های محلی و محافظه‌کارانه قبیلوی، یکی از علت‌های مهمی بوده است که مانع رشد و تکامل بمفهوم وسیع کلمه شده و نگذاشته که جامعه بیرون از محوطه سنت‌های قبیلوی حرکت نماید. با کمال تأسف که افغانستان، بویژه در قبال دول کشورهای همجوار، فاقد یک سیاست مثبت بوده که در نتیجه، به شرایط توجه نکرده، به آرزوها و رویاها پناه برده و به تلاش کافی برای ایجاد زمینه‌های مناسب دست نزده است که کشور را از انزوای بیرون کشد و یا لاقلاً بتواند از کمک‌های اقتصادی و نظامی کشورهای جانبدار، استفاده نماید. پس کجای این مسأله را دست‌آورد بنامیم و به تاریخ بگذاریم که نسل‌های بعدی نیز بآن افتخار نمایند.

بهمگان واضح و مبرهن است که دولت افغانستان در امتداد زمان نسبتن طولانی باینسو بمبارزه علیه "طالب‌ها" همچنان ادامه می‌دهد. اما طی ایام پسین، کابل بیش از پیش وبگونه فعالیت‌های مصروف مبارزه ایدئولوژیک در زمینه مشروعیت اسلامی می‌باشد. مبارزه و ضدونقیض‌گویی‌هایی بویژه در شرایط و وضعیت کنونی که مذاکرات و گفتگوهای صلح میان افغانی نیز به رکود مواجه می‌باشد، بیش از پیش تشدید گردیده است. در مجموعه پرسش‌های بحث برانگیز، از جمله یکی هم نقش و سهم اسلام در حاکمیت سیاسی آینده در کشور که تقسیم قدرت در آن مطرح می‌باشد، جلب توجه می‌نماید. اینکه پس از حصول و دستیابی به توافق درباره قطع جنگ و تشکیل حاکمیت سیاسی و در نظر داشت اصل دین و ارزش‌های وارد شده از غرب، چه نوع دولتی باید شکل گرفته و نیروهای محرکه آن در برگیرنده کدام اقشار و گروه‌های اجتماعی خواهد بود، از جمله موارد قابل بحث پنداشته می‌شود.

با در نظر داشت کلیات مسأله مورد بحث بمفهوم وسیع کلمه باید متذکر گردید که کاخ ریاست جمهوری کشور از قصد ایالات متحده مبنی بر بازنگری توافقنامه آن کشور با "طالب‌ها" استقبال و پشتیبانی نموده است.

موضوع فوق بتاريخ ۲۳ ماه جنوری سالروان توسط دفتر ریاست جمهوری کشور اطلاع داده شد. اداره جدید واشنگتن بر رهبری جو بایدن اما تاکنون هم در مورد تدوین سیاست و مشخص نمودن عملکردهای بعدی اش در

مورد کشور ما تصمیمی اتخاذ ننموده است.

بهمگان واضح و روشن می باشد که بتاريخ ۲۰ ماه جنوری سالروان در ایالات متحده، اداره و اشنگتن از جمهور یخواهان به دموکرات ها دست بدست شد. اکنون نه تنها وعده های داده شده کارزار انتخابات ریاست جمهوری توسط ترامپ در مورد فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان الی سال نوترسای در هوأ پراگنده شد، بلکه برنامه خروج نظامیان امریکایی از کشور ما الی ماه می سالروان نیز مورد تهدید قرار گرفت. وسایل اطلاعات جمعی قبلن در مورد قصد بایدن یادآور شدند که بویژه پس از اجرای مراسم تحلیف، برخی از فرامین ترامپ را دستخوش تغییر نموده و قبل از همه مجددن به توافقنامه پاریس در مورد جلوگیری از افزایش دما و حرارت زمین پیوست.

پس از آنکه بتاريخ ۲۰ ماه جنوری سالروان، جو بایدن بمثابه رئیس جمهور منتخب کشورش حلف وفاداری بجا نمود، در کنار سلسله مسایل موجود در آن کشور، جو بایدن باید در مورد قضایای کشور ما نیز بانجام کارهایی مبادرت ورزد. می توان حتا برکناری اخیر وزیر دفاع ایالات متحده را بدلیل اقدام به فراخواندن نظامیان امریکا پی از افغانستان توسط ترامپ محسوب نمود.

آیا اداره جدید و اشنگتن در تداوم سیاست های ترامپ در مورد کشور ما مبادرت خواهد ورزید؟ به پرسش فوق، جریان بعدی زمان و چگونگی سیر حوادث پاسخ ارائه خواهد نمود. اداره و اشنگتن بر هبری بایدن تاکنون در مورد یادشده بگونه مشخص صحبت ننموده است. اما بسیاری از کارشناسان بدین باورند که برای رئیس جمهور بایدن اصل توافق حاصله با "طالب" ها نه تنها در برگیرنده خروج نظامیان امریکایی از سرزمین کشور ما، بلکه عمده ترین مسأله بنظر امریکاییان، کاهش و قطع خشونت از جانب "طالب" ها و بریدن آنها از "القاعده" و کلیه سازمان ها و دسته بندی های تروریستی که بویژه منافع ایالات متحده را تهدید می نمایند، می باشد. اما دولت بر هبری اشرف غنی در کشور ما، علاقمند فراخواندن فوری نظامیان امریکایی از افغانستان نبوده و خواستار بازنگری در توافق ایالات متحده با "طالب" ها می باشد. اما نباید فراموش نمود که چگونگی اوضاع و احوال در کشور ما، بویژه درگیری های پسین در ولایت هلمند، مؤید بر هم زدن توافقنامه یادشده توسط "طالب" ها می باشد.

سرنوشت توافقنامه دوحه که در ماه سنبله سالروان عقد گردیده و بمثابه دستاورد قابل توجهی برای اداره قبلی و اشنگتن محسوب می گردید، در نوع خود برای طرف های مذاکره کننده بدلایلی پرسش برانگیز می باشد. در دوحه بگونه مشخص، ستراتیژی جدیدی، موردی که توسط ایالات متحده پیشنهاد گردیده و بگونه طبیعی بر منافع حیاتی جمهوری اسلامی افغانستان ارجحیت داشت باید مطرح نظر قرار داده شود. اما ارگ ریاست جمهوری دولت اسلامی افغانستان بر هبری غنی در مورد متذکره، اصلن عجله نموده و ترجیح داد تا منتظر نتایج کارزار انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده باشد.

در کابل، در کنار انتخاب های دیگر، از جمله گزینه های بدبینانه را نیز بمنظور بررسی انکشاف بعدی و چگونگی سیر حوادث مورد نظر قرار داده شود. مشاور شورای امنیت افغانستان اظهار نمود که اما پس از خروج نظامیان امریکایی از افغانستان، آغاز جنگ داخلی در کشور "خیلی محتمل" بنظر می رسد. نامبرده ادامه داده افزود که حتا کابل را نیز نمیتوان از این امر مستثناً قرار داد. بارتباط مسایل فوق در جلسات پسین پارلمان کشور، نماینده های مجلس از مقامات امنیتی کشور خواهان ارائه توضیحات در مورد شرایط و وضعیت واحدهای شبه نظامی در مناطق جداگانه کشور گردیدند. مقامات امنیتی کشور اظهار نمودند که واحدهای دفاع شخصی در مقایسه با پولیس کشور از اهمیت کمتری برخوردار نمی باشند که اظهارات اینچنینی، بگونه ای خشم نمایندگان مجلس را ببار آورد.

بگمان اغلب که با تغییر ستراتیژی و اشنگتن، تاکنون در مورد اصل فراخواندن نظامیان امریکایی از کشور ما انکشاف تازه ای بمشاهده نمی رسد، چه در این مورد بازیکنان دیگری چون روسیه، پاکستان و هند بگونه فعالتری در روند یادشده ابراز علاقه نموده اند.

در جلسات سازمان همکاری های شانگهای همچنان بر اصل آغاز و تداوم گفتگوهای مستقیم میان نماینده های دولت افغانستان و "طالب" ها تأکید بعمل آمد. در امتداد سالهای پسین با حمایت سازمان همکاری های شانگهای، سلسله تماس ها و تدویر جلسات و گفتگوهایی در روسیه سازماندهی گردیده که در آن نمایندگانی از کلیه اقشار و گروه های سیاسی افغانی در آن شرکت ورزیده بودند. جانب فدراتیف روسیه از ارائه مشوره ها در مورد حل و

فصل قضایای کشورما و از نقش کشورهای همجوار افغانستان در موفقیت پروسه آغاز شده صلح و مصالحه نیز یادآوری بعمل آمد.

قابل یاددہانی پنداشته می شود که مجموعه تشکیل شده در مسکو طی سال ۱۳۹۷ بر بنیاد میکانیزم شش جانبه مشورتی افغانستان، روسیه، چین، پاکستان، ایران و هند از قوه بفعل مبدل گردید. نخستین اجلاس یاد شده در جریان ماه ثور سال یاد شده با سهمگیری و اشتراک وزرای امور خارجه ۱۱ کشور شامل افغانستان، روسیه، چین، پاکستان، ایران، هند، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرغیزستان و ترکمنستان تدویر گردید. نماینده ایالات متحده که در ملاقات یاد شده دعوت گردیده بود، بدلیل عدم تدوین ستراتیژی اداره جدید ایالات متحده در مورد کشورما، از شرکت در آن خودداری بعمل آورد. دیدار بعدی طی سال ۱۳۹۸ صورت گرفت.

ناظران امور بدین عقیده می باشند که در امر مقایسه موضعگیری مسکوبا موضعگیری و نوع نگاه و اشنگتن در مورد ایجاد کانال ها و مجراهای منحصر بفرد و اثربخشی آنها در مسایل مربوط به کشورما، بویژه با در نظر دا شت حساسیت های مطرح در آینده سیاسی کشورما، بیش از پیش در مورد تداوم و ادامه موفقانه گفتگوهای میان افغانی بهر دلیلی که اکنون جابجا متوقف گردیده، ابراز علاقمندی نمودند.

مطابق اظهارات برخی از افراد و اشخاص علاقمند به قضایای افغانستان، بسیاری از اهل سیاست کشورما که در مجموعه حاکمیت سیاسی برهبری غنی عضویت نداشته و در مخالفت با آن قرار دارند، به مسکوسفر نمودند، این ملاقات ها البته قبل از انتخابات ریاست جمهوری پسین کشور صورت گرفت. پس از انتخابات، غنی به تقویت و تحکیم مواضعش مبادرت ورزید. بخشی از مخالفان تحت قوماندۀ وی قرار گرفته و بخش دیگر آنها در موضع مربوط بخویش همچنان باقی ماندند. علاوه بر آن، ایده و مفکوره کابل در زمینه حفظ ساختار جمهوریت و دفاع از قانون اساسی کشور به مسأله بحث برانگیز مبدل گردیده و در دوحه توسط "طالب" ها مورد تردید قرار داده شد. اما نظریه و مفکوره یاد شده در داخل مورد پشتیبانی اکثریت شهروندان کشورما قرار گرفت.

موضعگیری "طالب" ها، بویژه پس از ملاقات با نماینده های نیروهای سیاسی کشورما در مسکو، می توانست دستخوش تغییر و تحول گردد. مسکودر صدد آن شد تا نماینده های رسمی و غیر رسمی مخالفان را بدور میز مذا کره و گفتگو حاضر نماید کاین در نوع خود مخالفت و اشنگتن را که طی سال های سال مسایل جنگ و صلح کشورما را مدیریت می نمود، بیار آورد.

سفر "طالب" ها به مسکوکو بر بنیاد مذاکرات و توافقات آنها با ایالات متحده، فرصت های چانه زدن برای آنها را بیش از هر زمان دیگر مساعد و مهیا نموده و سبب گردید تا بیش از دیگران در معامله موجود میان آنها و ایالات متحده، امتیاز های بیشتری را کمایی نمایند. اما پس از امضای تعامل یاد شده در ماه حوت سال ۱۳۹۸ (مطابق بق فبروری سال ۲۰۲۰)، "طالب" ها بگونه عملی به شریک ایالات متحده مبدل گردیده و اما بگونه ای عدول از توافقات حاصله و بدست آمده نیز کاملن واضح و مبرهن می باشد.

بهر حال، پس از تعویض اداره و اشنگتن، "طالب" ها اداره جوبایدن را در مورد وفادار ماندن به توافقات و معامله های بدست آمده فرا خواندند. آنها یاد آور شدند کاجرای توافقات حاصله میان "طالب" ها و ایالات متحده، بیش از پیش شرایط را بمنظور تطبیق عملی مصالحه در کشور مساعد و مهیا نموده و بیش از هر زمان دیگر امکانات کا هش خشونت و قطع جنگ و درگیری های مسلحانه در کشور را فراهم خواهد نمود. همچنان "طالب" ها اظهار نمودند که خروج نظامیان امریکایی از سرزمین افغان ها، عدم مداخله در امور داخلی جمهوری اسلامی افغانستان و عدم بکارگیری اراضی افغانستان علیه ایالات متحده، جوابگوی منافع و مصالح علیای هر دو کشور محسوب می گردد.

در اینجا پرسشی بدین شرح ذهن بسیاری ها را بخود معطوف می نماید و آن اینکه کایا هند بنفع "اتحاد شمال" موضعگیری خواهد نمود؟

حقایق موجود نشان دهنده این امر میباشد که توافق نظر در سطح منطقه در این مورد که در نتیجه مذاکرات دوحه، صلح در کشورما تأمین گردد، اصلن موجود نمی باشد که در نوع خود مسأله ایست قابل فهم. اگر رهبر حزب اسلامی بگونه ای اصل مذاکرات با "طالب" ها را مطرح بحث قرار داده و بگونه غیر مستقیمی به تأیید برخی از پیشنهادات و طرح های "طالب" ها موافقت ورزید، چنین موقف بیشتر با موضعگیری های اسلام آباد همخوانی دارد. در چنین وضعیتی، هند سعی خواهد ورزید تا بگونه منظمی رهبران سابق "اتحاد شمال" را که از دهه ۹۰ با "طالب" ها در ضدیت قرار داشتند، وارد صحنه سیاسی کشورما نماید.

بدین ترتیب در زمستان سال پار، ملاقات‌ها و گفتگوهای پرشوری میان برخی از اعضای جبهه مخالف "طالب"‌ها انجام گرفت که در کابل آنرا بمتابۀ آشتی طرف‌های یادشده پنداشته شد. قابل یادآوریست که مناسبات میان برخی از شخصیت‌های جبهه یادشده بویژه طی سال‌های پسین وارد مراحل دشواری گردید. از جمله می‌توان از حمایت و پشتیبانی نواز عبدالله در دو دور انتخابات ریاست جمهوری یاد نمود. اما پس از آنکه نور از مقام رهبری ولایت بلخ کنار زده شد، نامبرده چنین وضعیتی را نتیجه موضعگیری‌های عبدالله پنداشته و بر این بنیاد مواضع و خط‌السیرهای شان را از همدیگر جدا نموده و در نهایت امر، نواز اشرف غنی پشتیبانی و طرفداری بعمل آورد.

قابل یاددهانی پنداشته میشود که وضعیت کشوری طی سال‌های ۹۰ سده ۲۰ و مشوره‌هایی میان روسیه، ایران و هند در مورد معضله کشورما در مسکومورد بررسی قرار داده شد. کشورهای سه‌گانه یادشده از جمله حامیان و پشتیبانان "اتحاد شمال" در امر مبارزه علیه "طالب"‌ها محسوب می‌گردیدند. در دیدارهایی که میان آنها به عمل آمد، در مورد وضعیت نظامی - سیاسی در افغانستان و دورنمای گفتگوها و مذاکرات میان افغانی بحث و گفتگو نمودند.

اگر بگونه بدبینانه به قضایای کنونی کشور نگاه شده و سناریوهای غیر قابل قبول و آغاز جنگ داخلی در آینده کشور پیشبینی گردد، در چنین وضعیتی، احتمالن شکاف‌هایی بر بنیاد اصل ملی بوجود آمده و تضادهایی میان اقوام کشور بشدت تسریع خواهد گردید. با شرایط متذکره و در حالت اینچنینی قضایا، مؤثریت رهبران مذهبی و بزرگان قومی و همچنان تأثیرگذاری مجاهدین و رهبران قبلی "اتحاد شمال"، بیش از پیش متبازل خواهد گردید. ممکن بر بنیاد دلایل بر شمرده شده، وضعیت غیر از آنچه پیشبینی می‌گردد، بر منوال دیگر و در جهت معکوسی سیر نماید.

طی روزهای پسین، گروهی از کارشناسان، طرحی را مبنی بر تأخیر کاهش نظامیان آن کشور در افغانستان به کنگره ایالات متحده پیشکش نمودند. بخاطر داریم که در محدوده توافق ایالات متحده با "طالب"‌ها در دوحه، نظامیان امریکایی الی او اواخر ماه اپریل سال روان، سرزمین کشور ما را باید ترک نمایند. بنظر کارشناسان و دست‌اندرکاران امور، رعایت ضرب‌الاجل یادشده بدون کاهش تشنج و خشونت و عدم پیشرفت مذاکرات و گفتگوهای صلح ممکن به فروپاشی دولت افغانستان و تجدید درگیری‌های وسیع‌تر و گسترده تر مسلحانه در کشور منجر گردد. کم‌از کم، این امر مستثناً قرار نخواهد گرفت که "طالب"‌ها با تأخیر پروسه خروج نظامیان خارجی از افغانستان مخالفت ورزیده و از تداوم مذاکرات صلح ابا و رزنند. همچنان عده دیگری چنین می‌پندارند که "طالب"‌ها مکلفیت‌های پذیرفته شده در مؤافقتنامه دوحه را اجرا ننموده و در زمینه به عملکردی متوسل نگردیده‌اند. آنها با دادره و اشنگتن توصیه نمودند که جوابیدن قبل از همه باید روی دیپلوماسی تمرکز نموده و برای "طالب"‌ها این مسأله یادآوری گردد که در شرایط کنونی و وضعیت موجود، عقب نشینی کامل نظامیان اصلن امکان‌ناپذیر می‌باشد. آنها همچنین متذکر گردیدند که بسیاری از کشورهای منطقه، بویژه پاکستان بر "طالب"‌ها تسلط داشته و می‌توانند در این مورد بر آنها فشارهای لازم را وارد نمایند.

گروه تحقیقاتی معتقد است که فراخواندن بخش‌های دیگر نظامیان از افغانستان با کاهش تشنج، خودداری از انجام تحرکات مسلحانه، آمادگی بمنظور تداوم مذاکرات با جانب دولت افغانستان و قطع ارتباط و مناسبات و تماس‌های "طالب"‌ها با "القاعده" و سایر دسته‌بندی‌های تروریستی ارتباط دارد. وزیر امور خارجه ایالات متحده اظهار نمود که اشنگتن در مورد فراخواندن نظامیان آن کشور از افغانستان تا هنوز تصمیمی اتخاذ ننموده است. اما نامبرده یادآور گردید که اداره و اشنگتن در نظر دارد تا به درگیری‌های مسلحانه ۲۰ ساله در افغانستان خاتمه بخشیده و از پروسه صلح در کشور پشتیبانی نماید.

یکشنبه ۱۹ ماه دلو سال ۱۳۹۹ خورشیدی